



## بررسی گفتمان اعتدال (دولت یازدهم و دوازدهم) از منظر امام خمینی با رهیافت تحلیل گفتمان

مجتبی شیرافکن<sup>۱</sup>، اکبر اشرفی<sup>۲</sup>، حبیب الله ابوالحسن شیرازی<sup>۳</sup>

۳۵

دوره ۱۳، شماره ۳، پیاپی ۳۵  
پاییز ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۶-۱۲-۱۴۰۴

تاریخ پذیرش:

۱۵-۱۰-۱۴۰۳

صص: ۲۸۹-۲۷۳

شاب چاپی: ۵۵۹۹-۲۳۲۲

رتبه علمی



بررسی صفت گواهی در:  
JOURNALS.MSRT.IR

### چکیده

**زمینه و هدف:** گفتمان انقلاب اسلامی در ایران با رویکرد بازگشت به اسلام و حاکمیت مردم با استفاده از اصول و مبانی اسلام، توجه به مقتضیات زمان و مکان با رهبری امام خمینی تکوین و ظهور یافت و ۱۰ سال با مدیریت خود امام به نظام سازی پرداخت. در این نظام سیاسی روسای جمهوری نقش مهمی ایفا کرده اند که بعضا رویکرد آنها با گفتمان معمار انقلاب اسلامی همراستا نبوده است. در پی انتخابات خردادماه ۱۳۹۲ حسن روحانی به عنوان حامل گفتمان اعتدال گرایی به عنوان رئیس جمهور نظام جمهوری اسلامی انتخاب شد. هدف این مقاله بررسی مقایسه ای شعارهای انتخاباتی حسن روحانی با گفتمان انقلاب اسلامی است.

**روش:** روش انجام این پژوهش، روش مقایسه گفتمانی است؛ به این معنی که دو گفتمان انقلاب اسلامی و گفتمان اعتدال مورد مقایسه قرار گرفته اند و موارد اشتراک و اختلاف این دو گفتمان بررسی شده است.

**یافته ها:** این مقاله با طرح این سؤال که وجوه تشابه و افتراق گفتمان انقلاب اسلامی با شعارهای انتخاباتی حسن روحانی چیست؟ به تبیین این فرضیه پرداخته است که شعارهای انتخاباتی حسن روحانی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ گرچه اشتراکاتی با دال‌های شناور گفتمان انقلاب اسلامی دارد، اما با قرار دادن لزوم کنار آمدن با کدخدا در دال مرکزی گفتمان خود، از دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی فاصله گرفته است.

**نتیجه گیری:** براساس دیدگاه های فوکو، لاکلاو و موفه، یکی از ویژگی های گفتمان به طور الزامی، مبتنی بر تغییرات همه جانبه و بنیادی نبوده و تغییرات برخی عناصر از استمرار، ثبات و پایداری بیشتری برخوردار هستند. چنان که بر اساس دیدگاه های امام خمینی، گفتمان مسلط؛ ساخت اسطوره سیاسی انقلابی، غرب ستیز، سازش ناپذیر و حاکمیت اسلام ناب در فرایند تحولات و انشعاب درونی، دال های شناور و عناصر بی قرار، منازعه گفتمانی شکل گرفت، چنان که وعده های مهم حسن روحانی در انتخابات سال ۱۳۹۲ و پیوند زدن حل مشکلات کشور صرفا از طریق تعامل با غرب [کدخدا (آمریکا)]، مغایرت گفتمان با گفتمان انقلاب اسلامی نمود بیشتری یافت و در عرصه قدرت و بازگیری سیاست کشور ظهور یافت.

### واژگان کلیدی:

گفتمان انقلاب اسلامی، استقلال، امام خمینی، خرده گفتمان اعتدال، برجام، حسن روحانی، الگوی اسلامی ایرانی

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. دانشیار گروه اندیشه سیاسی و مسائل ایران، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

(نویسنده مسئول) akbarashrafi552@gmail.com

۳. دانشیار گروه روابط بین الملل، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.



## ۱- مقدمه و بیان مسئله

گفتمان انقلاب اسلامی در ایران با رویکرد بازگشت به اسلام و حاکمیت مردم با استفاده از اصول و مبانی اسلام، توجه به مقتضیات زمان و مکان با رهبری امام خمینی تکوین و ظهور یافت و ۱۰ سال با مدیریت خود امام به نظام‌سازی پرداخت. در این نظام سیاسی روسای جمهوری نقش مهمی ایفا کرده‌اند که بعضاً رویکرد آنها با گفتمان معمار انقلاب اسلامی همراستا نبوده است. در پی انتخابات خردادماه ۱۳۹۲ آقای حسن روحانی به‌عنوان حامل گفتمان اعتدال‌گرایی به‌عنوان رئیس‌جمهور نظام جمهوری اسلامی انتخاب شد. «گفتمان اعتدال‌گرایی» با تأکید بر تلاش برای ایجاد تعادل و توازن بین آرمان و واقعیت از طریق تلفیق آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در سیاست داخلی و بین‌المللی بخصوص در موضوع هسته‌ای به‌عنوان مهم‌ترین مسئله سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ظهور کرد. لذا نوشتار پیش روی در پی طرح این سؤال که؛ وجوه تشابه و افتراق گفتمان انقلاب اسلامی با شعارهای انتخاباتی حسن روحانی چیست؟ و چه اشتراکات و تفاوت‌هایی بین گفتمان اعتدال با گفتمان انقلاب اسلامی (از منظر امام خمینی) وجود دارد؟ به طرح و تبیین این فرض پرداخته است که؛ شعارهای انتخاباتی آقای حسن روحانی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ گرچه اشتراکاتی با دال‌های شناور گفتمان انقلاب اسلامی دارد، اما با قرار دادن لزوم کنار آمدن با کدخدا، از دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی (مبارزه با نظام سلطه و استکباری) فاصله گرفته است.

## ۲- پیشینه پژوهش

از آنجا که بحث بررسی مقایسه‌ای شعارهای انتخاباتی حسن روحانی با گفتمان انقلاب اسلامی از منظر امام خمینی (ره) حائز اهمیت است، برخی پژوهش‌ها به برخی زوایای موضوع اشاره نموده‌اند که می‌توان به موارد زیر اشاره نمود؛ کوه خضری (۱۳۹۷) در پژوهشی توصیفی تحلیلی، با عنوان بررسی انقلاب اسلامی در گفتمان روسای دولت‌های پس از رحلت امام خمینی (ره) نشان دادند که انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان مهم‌ترین پدیده تاریخی و اجتماعی کشور در یک قرن گذشته، با قابلیت خصلت‌گفتمانی، از سوی افراد و گروه‌های سیاسی متفاوت در قالب گفتمان‌های متفاوت هویت دهی شده است. عبدالهی (۱۳۹۳) در پژوهشی با موضوع بررسی تحلیلی چرایی غلبه گفتمان اسلامی در انقلاب اسلامی ایران، سعی کرده چرایی تسلط و هژمونی اسلام سیاسی در فرایند انقلاب ۱۳۵۷ را تبیین بکند. در این راستا نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موف را مبنای نظری و روش‌شناختی خود قرار داده و بر اساس تبعیت از این نظریه به پاسخگویی به پرسش فوق برآمده است. شهبازی راد (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان تحلیل گفتمان رهبری انقلاب اسلامی به دنبال بررسی گفتمان امام در دوره‌های مختلف و یافتن چگونگی مفصل‌بندی دال‌های مختلف در آن است. پژوهش، کیفی توصیفی از جنس تحلیل گفتمان لاکلا و موفه است. محمدی (۱۳۹۲) در پژوهشی با موضوع تاثیر انقلاب اسلامی بر گفتمان‌های مارکسیسم لیبرالیسم در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بر آن است تا در چارچوب نظریه گفتمان لاکلا و موفه که نظریه‌ای نشانه‌شناختی برای تحلیل گفتمان‌های سیاسی است، تأثیرات گفتمان انقلاب اسلامی ایران را بر دو گفتمان مارکسیسم و لیبرالیسم در دوره‌ی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بررسی کند.



شامی خاکی (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان تحلیل گفتمانی رابطه‌ی سیاست و فرهنگ در انقلاب اسلامی، با تأکید بر گفتمان اسلامی امام خمینی (ره) معتقد است، بررسی ابعاد نظری گفتمان انقلاب اسلامی، دو حوزه‌ی سیاست و فرهنگ و نقش آن در ارتباط هژمونی گفتمان مذکور، هژمونی در عرصه‌ی رقابت با سایر گفتمان‌های موجود، امری بسیار ضروری و درخور توجه است.

میرزایی راجعونی (۱۳۸۰) در تحقیقی با موضوع گونه‌شناسی گفتمان‌های اسلامی و نقش آنها در فرآیند انقلاب (۱۳۶۸-۱۳۴۲) به دنبال یافتن پاسخ این مسئله است که چند گونه گفتمان اسلامی در فرآیند انقلاب مطرح بود و هر کدام از این گفتمان‌های اسلامی در شکل‌گیری، پیروزی و تداوم انقلاب اسلامی ایران، چه نقشی داشتند؟ در پی پاسخ یابی سؤال فوق، محقق اعتقاد راسخ دارد که اسلام با آن معانی شناخته شده در نزد امام خمینی (س) می‌تواند برای حل گره‌ها و تداوم نظام جمهوری اسلامی و گسترش دامنه انقلاب راهگشا باشد.

### ۳- روش

روش انجام این پژوهش، روش مقایسه‌ای مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی است و برای بررسی این گفتمان‌ها از، نظریه گفتمان استفاده شده است. داده‌های مورد نیاز تحقیق از طریق جمع‌آوری آثار کتبی و شفاهی، روزنامه‌ها و مقالات و سخنرانی‌ها (صوت و فیلم) به دست آمد و از نظر موقعیت گردآوری داده‌ها و اطلاعات خام در گروه تحقیقات کتابخانه‌ای محسوب می‌شود.

### ۴- چارچوب نظری پژوهش

درک انسان از جهان و روابط میان عوامل او ناشی از گفتمان‌های موجود است (حسین زاده، ۱۳۸۳: ۱۸۲) که بر اساس نظریه گفتمان سوسور (ساختارگرایی)، دال و مدلول را به هم مرتبط می‌کنند (فردینان دو سوسور، ۱۳۷۰: ۲۷) و بر همین اساس "ژاک دریدا" پسا ساختارگرایی را همراه با مفهوم شالوده شکنی 'ا' را با این بیان که؛ تثبیت کامل معنا و رسیدن به یک نظام بسته گفتمانی امکان‌پذیر نیست، مطرح کرد (هاوارث، ۲۰۰۰: ۴۳) و از این پس نظریه گفتمان "میشل فوکو"، عناصر همسوی یک نظام زبانی معرفتی را گرد آورد (محمد ضیمران، فوکو، ۱۳۷۸: ۴۸) و بر این ایده تأکید نمود که قدرت را نباید به نهادهای سیاسی محدود کرد؛ قدرت در تمام جامعه جاری است و نقشی مستقیماً مولد ایفا می‌کند (دریفوس، فوکو، ۱۳۷۶: ۳۱۲). از آن پس «مفهوم هژمونی» با استفاده از سنت مارکسیستی به خصوص اندیشه‌های گرامشی و ساختارگرایی التوسر و پسا ساختارگرایی دریدا و فوکو اولین بار در کتاب هژمونی و استراتژی سوسیالیستی در سال ۱۹۸۵ بسط دادند (حسین زاده، ۱۳۸۳: ۱۸۵). و بر ایده به نقد کشیدن سرمایه داری به عنوان نظام سلطه تأکید نمودند.

رشد نظریه نظریه گفتمان بخصوص در حوزه سیاسی بر نقش زبان در بازنمایی و نیز ایجاد واقعیت اجتماعی تأکید می‌کند؛ چنان که در این زمینه "لوی استروس" بر این باور است که؛ هر نشانه براساس موقعیت‌های مختلف، معانی متعددی به دست می‌آورد. وی با استناد به نظریات سوسور، تحلیل ساختاری وی را به حوزه علوم اجتماعی تسری داد. ساختارگرایی استروس



کوششی برای یافتن ساختارهای غیر قابل تغییر یا کلیاتی صوری است که بازتاب دهنده ماهیت خرد آدمی اند (ضیمران، ۱۳۷۹: ۱۳۴). و چنان که اشاره شد، هدف دریدا نقد کاربرد ساختارگرایی سوسور در علوم اجتماعی است که در مورد اولویت گفتار بر نوشته را همچون سایر تمایزات دو گانه در اندیشه غربی مردود می شمارد (پین، ۱۳۸۰: ۱۹۵).

در زمینه امر سیاسی و تحولات آن، نظر لاکلا و موف، آموزه گفتمان، ریشه در چیزی دارد که توان آن را چرخش استعلائی در فلسفه مدرن نامید؛ یعنی در شکلی از تحلیل که صرفاً نه به امور واقع، بلکه به شرایط امکان آنها می پردازد" (عرب عامری، ۱۳۹۵: ۴۰) هر موقعیت سوژه ای از طریق روابط متمایز با موقعیت های سوژه ای دیگر ساخته می شود (اسمیت، ۱۹۹۸: ۶۴). بنابراین هر فرد می تواند موقعیت های سوژه ای مختلف داشته باشد (هاوارث، دی. نوآروال، آ. استاوراکاکیس، جی، ۲۰۰۳: ۱۳)؛ لذا، تلاش پروژه های سیاسی برای تثبیت گفتمان های محدود و معین را اعمال هژمونیک می نامد. این اعمال دو شرط دارند: اول وجود خصومت و نیروهای متخاصم و دوم بی ثباتی مرزهایی که این نیروها را متمایز می کند (هاوارث، ۲۰۰۰: ۱۱۰)؛ بنابراین زمینه اعمال هژمونیک حوزه اجتماعی خصمانه و پروژه های مختلفی است که با هم در نزاع و رقابتند و عناصری که می توانند جذب و مفصل بندی شوند.

هژمونیک شدن یک گفتمان به معنای موفقیت آن در تثبیت معانی مورد نظر خود است (حسینی زاده، ۲۰۰۷: ۱۱۹۰). بدین ترتیب اتحاد و انسجام طبقات و سوژه های طبقاتی به مجموعه ای از موقعیت های متزلزل ولی به هم پیوسته تجزیه شد که از طریق فرایند هژمونی منسجم می شدند (لوکلوا، ای، باتلر، جی. ژیزک، اس، ۲۰۰۵: ۵۳)

نکته قابل توجه این است که؛ آنچه تحلیل گفتمانی لاکلا و موف را از سایر نظریه های گفتمانی پیش گفته متمایز می سازد گسترش و تسری گفتمان از حوزه فکر و اندیشه به واقعیت های جامعه و سیاست حاکم بر زوایای مختلف اجتماع است. بنابراین، آنها با توجه به مبانی ارائه شده خود در مباحث پسا ساختار گرایانه و زبان شناسانه، نگرشی نو و جدید مبتنی بر مباحث واقعی برانگیزنده اجتماعی را دنبال کردند و مقوله های زبانی و گفتمانی را به همه حوزه های اجتماعی - سیاسی سرایت دادند.

گفتمان ها با تعریفی که از امر سیاسی ارائه می دهند از یک سو مرزهای هویتی میان نیروهای "خودی" و "دیگری" و از سوی دیگر به نزاع های سیاسی در یک جامعه معنا می بخشند (خرم شاد؛ جمالی، ۱۳۹۷: ۳۲). سوژه ها در درون ساختار گفتمانی به هویت شناخت از خود دست می یابند و بر اساس آن دست به عمل می زنند. همواره تکثری از موقعیت ها و گفتمان ها وجود دارد که انسان در آنها می تواند به هویت دست یابد. بر این اساس، زمانی که یک گفتمان دچار تزلزل می شود و نمی تواند به عاملان اجتماعی هویت اعطا کند امکان ظهور سوژه سیاسی فراهم می گردد. در این جا افراد به عنوان رهبران و سیاست مداران و متفکران بزرگ در نقش سوژه ظاهر می شوند. این ظهور پیامد امکانی بودن و عدم تثبیت کامل گفتمان ها و بحران هویت در شرایط تزلزل گفتمانی است. به عبارت دیگر، سوژه ها بر لبه های متزلزل ساختارهای گفتمانی ایجاد می شوند (لاکلانو، ۱۹۹۰:

¶ Formal universals  
¶ Smith  
¶ Howarth, D. Noarval, A. Stavrakakis, G  
¶ Howarth  
¶ Luclau, E, Butler, J. Zizek, S  
¶ Laclau



۶۰) در واقع زمانی که گفتمان مسلط دچار ضعف می شود زمینه ظهور سوژه و مفصل بندی های جدید فراهم می گردد و در این شرایط افراد در مورد گفتمان تصمیم گیری می کنند و نه در درون آن.

براساس آموزه های دریافت شده از مبانی نظری پیش گفته بخصوص دیدگاه های فوکو، لاکلائو و موفه، یکی از ویژگی های گفتمان به طور الزامی، مبتنی بر تغییرات همه جانبه و بنیادی نخواهد بود و تغییرات برخی عناصر می تواند از استمرار، ثبات و پایداری بیشتری برخوردار باشند و لذا این نوع عناصر به سادگی دستخوش تغییر و تحول نمی شوند. این در حالی است که بعضی دیگر از قابلیت تغییر بیشتری برخوردار هستند. چنان که در این زمینه سیدجلال دهقانی با بررسی اندیشه های فوکو به این نتیجه رسیده است که وی دو نوع تغییر و تحول گفتمانی را مطرح نموده است: تغییر از گفتمان و تغییر در گفتمان؛ تغییر از گفتمان به معنای دگرگونی و دگردیسی بنیادین، فراگیر و ماهوی است که در اثر اصول حاکمه یک گفتمان حادث می شود. اما همه تغییرات در گفتمان همه جانبه و ماهوی نیستند بلکه ممکن است گزاره ها و مفاهیم فرعی در سطوح بالایی متحول شوند بدون اینکه اصول حاکم و بنیادین را دستخوش تغییر نمایند؛ بنابراین تغییرات گفتمانی از عمق و گستردگی یکسانی برخوردار نیستند و به یک میزان آن را متحول نمی سازند (دهقانی فیروز آبادی، ۲۰۰۵: ۲۶).

نظر به آنچه گفته شده و به دلیل این که گفتمان ها و ساختارها هیچ گاه تثبیت نمی شوند و همواره نوعی تزلزل و بحران در آنها وجود دارد و به دلیل امکانی بودن و تصادفی بودن گفتمان ها و جوامعی که ایجاد می کنند، می توان شاهد ظهور سوژه سیاسی بود که در گفتمان سیاسی- اجتماعی ظهور می یابد و قادر است جهت گیری جریانات اجتماعی را به سمت و سوی ایده های سیاسی هدایت نماید و گاه بازیگران به بهره برداری هدفمند از جریانات هدایت شده حتی با فاصله گرفتن از جریانات اصلی حاکم می پردازند. چنان که در جریان انتخابات و تبلیغات انتخاباتی این رویکرد بسیار مورد توجه قرار می گیرد و می توان از آن به عنوان نمودی از جریان مبانی نظری گفته شده را شاهد بود. به طوری که افراد و بازیگرانی که از گفتمان به عنوان اهرمی برای دستیابی به قدرت استفاده کرده اند، پس از قرار گرفتن در بطن حاکمیت و تصمیم گیری های سیاسی- اجتماعی از چارچوب مشخص و پذیرفته شده عام و خاص عدول کرده و گاهی نیز برنامه های اعلامی خود را نادیده گرفته و یا از آن فاصله گرفته اند. چنان که جریان انتخابات و شعرهای انتخاباتی آقای حسن روحانی در تطبیق با گفتمان انقلاب اسلامی مشخص شده در نظریات امام خمینی به عنوان بحث اصلی این نوشتار، گاه فاصله گرفته است که در ادامه برخی از آنها، تبیین و تحلیل می شود.

#### ۵- تبیین گفتمان انقلاب اسلامی ایران

نظر به آنچه در مباحث نظری گفته شد، گفتمان ها از طریق ایجاد مرزهای سیاسی و ضدیت با سایر گفتمانها، فردیت (تصمیم گیری و عملکرد کنش گران به شکل های بدیع) و عاملیت (موقعیت یابی سوژه در گفتمان های گوناگون) و استیلا (تعیین کنندگی قواعد و معانی در یک صورتبندی خاص) متمایز می شوند و هویت خود را به دست می آورند (دیوید مارش و استوکر، ۱۹۹۹: ۲۱۲). با این فرض می توان ادعان نمود که در تحولات ایران نیز مرزبندی های سیاسی بیانگر گفتمان های منتج از تحولات بوده است.



ظهور و ثبوت انقلاب اسلامی ایران در نیمه دوم قرن بیستم از مهمترین وقایع و رخداد‌های جهان به شمار می آید. چرا که به اذعان سیاستمداران و کنشگران جهان سیاست از یک سو و نظریه پردازان حوزه ی انقلاب ها از سوی دیگر، رخدادی غیرمنتظره و فراتر از ساحت تحلیلی جریانات سیاسی آن زمان بحساب می آید و استمرار و صلابت این انقلاب و رهبری آن در یکی از مهمترین مناطق جغرافیای سیاسی - اقتصادی و بحرانی ترین مناطق جهان یعنی خاورمیانه، شگفتی ساز بوده است. جمهوری اسلامی ایران با آغاز حاکمیت سیاسی خود با رهبری و زعامت بنیانگذار کبیر انقلاب در دهه ی اول موسوم به دوره ی تثبیت، شاهد رقابت خرده گفتمان‌هایی بود که از میان آنها دو الگوی دموکراتیک اسلام سیاسی و آرمانگرایی اسلامی انقلابی همراه بود که هر یک در میدان رقابت سیاسی در مقطعی با تثبیت مفاهیم و باورهای اصلی خود با معنابخشی و مشروع سازی دال های شناور، سعی در استیلای گفتمان داشتند.

گفتمان انقلاب اسلامی صرف نظر از این منازعات درون گفتمانی در برخی مقاطع زمانی، به دلیل فراگیری و تعمیق دقایق گفتمانی اش در ذهنیت توده های عظیم مردمی و وفاداری گفتمان‌های درونی آن به دال مرکزی گفتمان (اسلام)، در دسترس بودن و عاملیت سوژه سیاسی (نقش و جایگاه برتر امام) دوار توقف و انسداد نشد و توانست ضمن تداوم حیات، بستری برای بازتولید خرده گفتمان‌هایی رقیب در دهه های آتی فراهم آورد (رازانی، محمدزاده، ۱۴۰۰: ۹۵). به طوری که، قوام گفتمان انقلاب اسلامی و نهادینه شدن عمیق عناصر نظام صدقی آن توانسته در مسیر خود استحکام بیشتری را برای این گفتمان نسبت به خرده گفتمان‌های درونی آن در دوره ی مختلف از جمله دوره انتخابات حسن روحانی به همراه داشته باشد.

#### ۱-۵- دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی

دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی بازگشت به اسلام و حاکمیت مردم است؛ به عبارت دیگر مسئله استقلال، آزادی و جمهوریت را مطرح می‌کردند که از نظر آنها به معنای بازگشت به حاکمیت مردم و تعیین سرنوشت کشور از طرف مردم و سهیم بودن آنها در تعیین سرنوشت خودشان بود در این فرایند، بازگشت حاکمیت مردم یکی از خواسته‌های نیروهای انقلابی بود که با شعار اسلامیت همراه بود؛ یعنی مردم جمهوریت را بدون حاکمیت اسلام قبول نداشتند. از نظر مردم ایران هدایت به سوی تعالی مسلماً در گفتمان انقلاب اسلامی حاصل می‌شود؛ زیرا زمینه‌ای برای ایجاد فضیلت‌های اخلاقی در جامعه فراهم می‌کند.

#### ۲-۵- دال برتر و متعالی انقلاب اسلامی

آنچه به عنوان دال برتر و متعالی انقلاب اسلامی است که رسالت خود را در هدایت انسانها در حوزه های زندگی خصوصی و اجتماعی نه تنها در ایران بلکه در کل جهان اسلام و غیراسلام تعریف می‌کند، معیارهای متعالی اسلام است که عناصر برتر خود را به عنوان دال های شناوری مانند آزادی، عدالت، استقلال، محرومیت زدایی، استبداد ستیزی و قانونگرایی در گفتمان انقلاب به ظهور رسانید.

دال های شناور که به یقین در ذهنیت عامه جامعه نیز از مقبولیت برخوردار بوده است، نزد سایر گروه ها و خرده گفتمان‌ها، مدلول های متفاوتی داشته است به طوری که سرشار از معانی بودند و سوژه ها را از روآوری به گروه های غیراسلام گرا بی



نیاز می ساختند؛ لذا گفتمان انقلاب به واسطه توانمندی اعجازآمیز در بسیج توده ها، نهادینه شدن ظرایف و دقایق گفتمانی آن در ذهنیت های متکثر جامعه و برخورداری از رهبری خردمند و شجاع با شخصیتی کاریزما، فراتر از یک گفتمان خاص که کنش گفتاری و رفتاری خود را در حوزه ای محدود و معین ترسیم می کند در یهنه ای از باورهای نهادینه شده ظاهر شد و یک فضای اسطوره ای و استعاری از آرمان های انقلاب را برای ذهنیت های متکثر ترسیم نمود و محوریت حرکت های سیاسی - اجتماعی قرار گرفت. به طوری که اسلام، به عنوان مرجع و الگویی برای تشکیل دولت و حکومت قرار گرفت و بدون شک نقش امام خمینی (ره) در برجسته ساختن وجه سیاسی اسلام که به اسلام ناب محمدی تعبیر کردند، بی بدیل بود. با نگاهی به جریانات حاکم بر علیه این رویکرد، می توان اذعان نمود که پایه گذاری و ترویج این دال برتر راهی سخت و پر از فراز و فرود همراه با دشواری های ضدیت با آن بوده که با همت والا و سخت کوشی وافر رهبری وقت همراه بوده است. امام خمینی (ره) در بیان دال برتر، این گونه سخن می گوید: «شما باید نشان دهید که در جمود حوزه های علمیه آن زمان که هر حرکتی را متهم به حرکت مارکسیستی و یا حرکت انگلیسی می کردند تنی چند از عالمان دین باور دست در دست مردم کوچه و بازار، مردم فقیر و زجرکشیده گذاشتند و خود را به آتش و خون زدند و از آن بیرون آمدند» (امام خمینی، ۱۹۹۹: ۲۳۹) با توجه به این رویکرد امام خمینی به معرفی و برتری دال برتر (اسلام)، گفتمان انقلاب اسلامی از یکسو، بسیاری از دقایق و عناصر آرمانی، انسانی و انقلابی سایر گفتمان های سیاسی - اجتماعی مدرن و رهایی بخش را در خود انعکاس می داد و از سوی دیگر، مجال و امکانی برای «بازیهای زبانی» دیگر و پژواک صدای «سوژه های تحت انقیاد» فراهم می ساخت و حتی در درون خود به انشقاق اسلام "ناب" از اسلام آمریکایی توجه داشت. چنان که جان فوران، پیروزی انقلاب اسلامی ایران را حاصل شکل گیری فرهنگ های سیاسی جدید مخالفان سیاسی شاه و پیدایش ائتلاف مردمی چند طبقه ای می داند. او در ذیل فرهنگ سیاسی اسلام از خرده گفتمانهای فرهنگ سیاسی اسلامی مانند اسلام مبارز امام خمینی (ره)، اسلام بنیادین شریعتی و اسلام لیبرال مهدی بازرگان و فرهنگ های غیردینی مشروطه خواهی ملی و مارکسیستی نام می برد (فوران، ۲۰۰۳: ۵۴۳) که در این میان اسلام مبارز امام بسیار فراگیرتر و قدرتمندتر از بقیه مورد عنایت عامه مردم قرار گرفت. چنان که در گستردگی و عام بودن آن همین بس که امام از بُعد سلبی در انتقاد به دولت پهلوی، وابستگی این دولت به آمریکا و غرب، نابودی اقتصاد ایران، فساد و فحشا، دشمنی با مذهب، گسترش فقر و زاغه نشینی، مخالفت با قانون اساسی، نبود آزادی بیان و مطبوعات، ممنوعیت احزاب و عدم اتکا به آراء مردم را مورد انتقاد قرار می دادند (امام خمینی، ۱۹۹۲، جلد ۳: ۱۵۴ و جلد ۲: ۲۸۸).

از جنبه ایجابی نیز قانون اساسی اسلامی را مدافع دموکراسی و آزادی (در وارووب دین)، رفاه، حقوق زنان، حقوق اقلیتها، به رسمیت شناخته شده و تمرکز قدرت و ثروت و دیکتاتوری در آن نفی شده است.



دوری از استبداد، عدالت و دموکراسی واقعی، آزادی احزاب و مطبوعات و سایر آزادیها، اتکا به رأی مردم نیز مفاهیم و عبارات پر بسامدی هستند که در فرایند انقلاب یعنی سال های ۵۶ و ۵۷ از امام می شنویم (امام خمینی، ۱۹۹۲، جلد ۴: ۱۷۷ و جلد ۲: ۹۷، جلد ۳: ۲۰۰)

از منظر تحلیل گفتمانی، مفاهیم و دال های بیان شده در سطور قبل از یک سو زمینه تعامل سوژه های انقلابی را فراهم میساخت و از سوی دیگر فضای بینامتنی گفتمان هژمون انقلاب (اسلام) و سایر خرده گفتمان ها را توسعه می داد. چنان که در این خصوص سخنان آبراهامیان نیز قابل تأمل است که بیان داشته: آیت الله خمینی (ره) توانست گروه های گوناگون اجتماعی را با خود همراه نماید به طوری که از دیدگاه خرده بورژوازی، وی نه تنها دشمن قسم خورده دیکتاتوری بلکه حافظ مالکیت خصوصی، ارزش های سنتی و بازاریان به شدت تحت فشار بود. طبقه ی روشنفکر نیز تصور می کرد که وی با وجود روحانی بودنش، ناسیونالیست مبارز و سرسختی است که با رهاکردن کشور از شر امپریالیسم خارجی و فاشیسم داخلی، رسالت مصدق را کامل خواهد کرد. به دیده کارگران شهری، او یک رهبر مردمی علاقه مند به برقراری عدالت اجتماعی، توزیع مجدد ثروت و انتقال قدرت از ثروتمندان به فقرا بود. به نظر توده های روستایی، او مردی بود که میخواست آنان را از نعمت زمین، آب، برق، راه، مدرسه و درمانگاه برخوردار نماید (آبراهامیان، ۲۰۰۲: ۶۵۶)

نظر به آنچه گفته شد، به طور حتم و در قالب کلی باید گفت که؛ گفتمان انقلاب نماینده ارزشهایی بود که مذهب یون و روشنفکران مبلغ آن بودند. اما هویت بخشی و تثبیت مفاهیم دال های شناور مذکور عمدتاً از ظرفیت غنی دال متعالی و برتر اسلام با معرفی امام خمینی استحکام می یافت. این دال های شناور نزد سایر خرده گفتمانهای غیر مذهبی، به شدت بیقرار بودند و اگر نگوئیم از معنی تهی بودند ولی قدرت کمتری در هویت بخشی و جذب خیل کنشگران اجتماعی در برابر دال مرکزی و غنی تر داشتند؛ و در درون خود نیز به کنشگرایی هایی دچار بود که با وجود فراگیری، برتری و در دسترس بودن و عاملیت سوژه سیاسی (رهبری امام) در تبدیل اسطوره اسلام ناب به پنداره و تصور عمومیت یافته و استعاری شده، بر اعتبار گفتمان انقلاب اسلامی نزد ذهنیت های متکثر خودی و غیر خودی افزود.

### ۳-۵- تطبیق گفتمان انقلاب اسلامی با گفتمان مدرنیته

واضعان هر گفتمان با ترسیم خطوط هویتی، «چارچوب» و «الگوی مورد نظر برای عمل ارائه می دهند و با ایجاد تمایز و مرزبندی، حوزه های خطوط هویتی خود مانع ورود عناصر مفهومی بیگانه، ناکارآمد و التقاطی می شوند (اشرف نظری و سازماند، ۱۳۸۷: ۱۵۶). همان گونه که بیان شد، اسلام دال مرکزی این گفتمان است؛ به محض اینکه گفتمان انقلاب اسلامی مطرح می شود، نوعی مرزبندی میان وضع موجود جهان و نظام دوقطبی حاکم بر آن ایجاد می گردد. هر گفتمان هویتی واجد عناصری است که از تالیف و در کنار هم قرار گرفتن این عناصر، مبانی و الگوهای کنش سیاسی امکان پذیر می شود.

### ۴-۵- معیار اثبات و نفی در گفتمان انقلاب اسلامی ایران

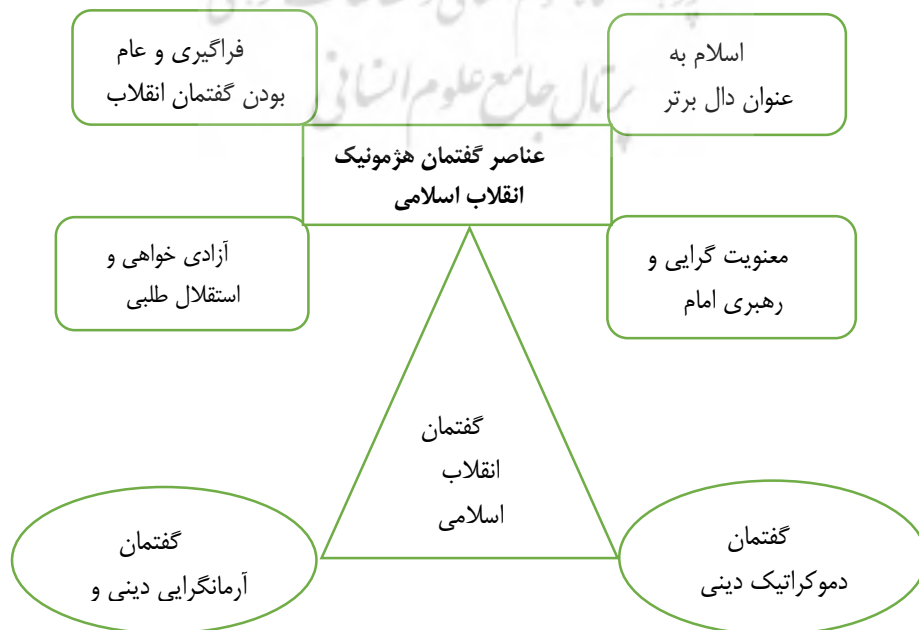
در نظریه گفتمان با یک اثبات و یک نفی مواجه ایم؛ یعنی هر گفتمان، در عین اثبات خودش، موارد دیگری را نفی می کند؛ به عبارت دیگر نظریه گفتمان هویت ساز است و در مقام اثبات هویت خود درصدد نفی دیگری خودش برمی آید و این گونه



است که دیگری ساز می‌شود. از این نظر امام خمینی ضمن اثبات گفتمان انقلاب اسلامی در مقام نفی وضع موجود جهان بود؛ یعنی با نظم حاکم بر آن (یعنی نظم دوقطبی) مخالفت می‌کرد؛ از همین رو شعار نه شرقی نه غربی را مطرح نمود. منظور از این شعار اثبات جمهوری اسلامی بود و نشان می‌داد که ایشان سوسیالیسم (شرق) و لیبرالیسم (غرب) را معارض گفتمان انقلاب اسلامی و دیگری گفتمان انقلاب اسلامی می‌دانست و برای انقلاب اسلامی هویتی مستقل قائل بود؛ بنابراین، قسمت مهمی از گفتمان انقلاب اسلامی، همانند دیگر گفتمان‌ها، نفی است و بعد اثبات. امام خمینی (ره)، علاوه بر نفی شرق و غرب و نظام دوقطبی حاکم بر جهان، طاغوت را که در اینجا وابسته به غرب است نفی نمود، رژیم صهیونیستی اسرائیل را مرکز و علل بدبختی‌های منطقه معرفی کرد و امریکا را عامل بدبختی‌های جهان دانست؛ از همین رو نفی در گفتمان امام (ره) نفی طاغوت در ایران، رژیم صهیونیستی و رژیم امریکاست و اینها با گفتمان انقلاب اسلامی در تعارض قرار دارند. از دیدگاه ایشان اسلام سیاسی، با محوریت نظریه ولایت فقیه، نیازهای امروز انسان را برطرف می‌کند (نوی، ۱۳۸۸: ۸۴) در این نظام که به رهبری امام خمینی با عنوان جمهوری اسلامی ایران پایه ریزی گردید که «دولت تسهیل کننده و سامان دهنده امور است و مردم و بخش های غیردولتی در یک منظومه ای سازمان یافته برای حل مشکلات جامعه باید تلاش کنند. دولت قوی و توانمند به معنی دولت مداخله گر و تصدی در همه امور و محدود کننده زندگی مردم و مداخله کننده در زندگی خصوصی نیست. باید زمینه مشارکت مردم هر روز بیشتر و زمینه تصدی گری دولت در امور جامعه هر روز کمتر و کمتر» گردد (فیروز آبادی، ۱۳۹۳: ۱۹۶).

#### ۵-۵- ترسیم مدل گفتمان هژمونیک انقلاب اسلامی

مدل مؤلفه های گفتمان هژمونیک انقلاب اسلامی بر پایه چهار عنصر اساسی استوار است که عبارتند از؛ اسلام به عنوان دال برتر، فراگیری و عام بودن گفتمان انقلاب آزادی خواهی و استقلال طلبی، معنویت گرایی و رهبری امام دینی و انقلابی. همچنین در مدل فوق گفتمان انقلاب اسلامی در دو حوزه؛ گفتمان دموکراتیک دینی و گفتمان انقلاب اسلامی قابل تحلیل است (رازانی، محمدزاده، ۱۴۰۰: ۱۰۸).



منبع: یافته‌های نظری



برای تبیین مدل فوق باید گفت که؛ در دوره کوتاه حاکمیت دولت موقت، گروه‌های اسلام‌گرایی که احساس یگانگی بیشتری با دیدگاه‌های امام داشتند از سال ۱۳۶۰ به بعد در ساخت اسطوره سیاسی انقلابی، غرب ستیز، سازش‌ناپذیر و طالب حاکمیت اسلام ناب، موفقیت شایانی کسب کردند و به گفتمان مسلط در نظام جمهوری اسلامی تبدیل شدند و عناصر گفتمانی اسلام‌گرایی آرمانخواه تثبیت گردید. با این وجود، این خرده گفتمان در سطح کنشگران اصلی خود، در دقایق گفتمانی از انسجام برخوردار نبود و دچار انشعاب درونی شد به طوری که حتی در دهه های سوم و چهارم انقلاب، نزاع درون گفتمانی ظهور یافت. در این فرایند است که گفتمان در سطح کنشگرانی در نقش دولت موقت، ترکیبی از اعضای نهضت آزادی و جبهه ملی که در دوره تثبیت انقلاب و حکومت اسلامی، طرحی از حکومت دموکراسی مبتنی بر دین را ترسیم کرده بود؛ اما در سالیان پایانی عمر، تغییراتی اساسی در دیدگاه های سیاسی وی پدید آمد و به سکولاریسم نزدیک شد و رابطه دین و سیاست را بر مدار رابطه حداقلی تعریف نمود.

در طرح و نظم گفتمان دموکراتیک دینی فوق، اسلام یک نقطه کانونی هویت بخش است اما تأکید روی تطابق قوانین و تصمیمات حکومت با اسلام است و صراحتی در اجرای احکام الهی به ویژه احکام فقهی نیست. روحانیت، جایگاه مشخصی ندارد. حکومت مبتنی بر دموکراسی و شورا است نه ولایت فقیهان. از آزادی معنای موسعی به دست می‌دهد که به میدان گفتمانی لیبرالیسم غربی نزدیکتر است. چنان که مشخص است، چرخش نظری، دیدگاه سیاسی دموکراتیک دینی بر محور دال ها و نشانه‌های یک حکومت دموکراتیک و نه دینی، مفصل بندی می‌شود که این نوع تفکر را می‌توان در دیدگاه های سیاسی - اجتماعی بازرگان، رهبر نهضت آزادی<sup>۱</sup> و عملکرد دولت موقت که ترکیبی از اعضای نهضت آزادی و جبهه ملی بود به طور مشهود مشاهده نمود. این رویکرد

اسلام‌گرای دموکراتیک به دلیل نخبه‌گرایی و فقدان پایگاه اجتماعی در لایه های مختلف اجتماعی و عامه جامعه از اقبال سوژه سازی سیاسی و توان بسیج اجتماعی که لازمه حرکت انقلاب است ناتوان بوده که با رویدادهای دوره های اول انقلاب و حرکت های دیگر خرده گفتمان‌های آن دوره در نهایت آرمان‌گرایی، اسلامیت و انقلابی‌گری به عنوان گفتمان اصلی و برتر انقلاب اسلامی همراه با پیامی دال بر این که؛ اسلام برای یک کشور، برای وند کشور، برای یک طایفه، حتی برای مسلمین نیست و اسلام برای بشر آمده است... ما امیدواریم که این امر مهیا بشود (تاجیک، ۲۰۰۴: ۷۵) به متن باز گشت که هدف آن تداوم انقلاب اسلامی مردم مسلمان ایران و تلاش جهت استقرار نظام عدل اسلامی در سراسر جهان تحت رهبری ولی فقیه در زمینه های معنوی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی بود (جاسبی، ۲۰۰۸: ۱۵۸)

این گفتمان توانست عناصر هم‌ارزی وون جمهوری اسلامی، فقه و احکام اسلامی، اجتهاد و تقلید، نظارت علما، حجاب، تعهد همراه با تخصص، اسلامی کردن جامعه و دانشگاه‌ها، اجرای حدود اسلامی، امت‌گرایی اسلامی و حمایت از مستضعفان را برجسته نماید و منظومه گفتمانی آن را شکل دهد (حسینی زاده، ۲۰۰۷: ۲۷۳)

گفتمان انقلاب اسلامی و اندیشه ی سیاسی امام بر دو بُعد جمهوریت و ولایت فقیه تأکید می‌شد و آنها را محتوای حکومت اسلامی تلقی می‌کرد ولی در عین حال و با گذشت زمان و در دوره های بعدی بازرگان سیاسی، بدنه ی این گفتمان به دلیل

<sup>۱</sup> نهضت آزادی در ۲۷ اردیبهشت ۱۳۴۰ با همکاری و عضویت آیت الله طالقانی، دکتر یدالله سبحانی و مهندس مهدی بازرگان اعلام موجودیت کرد. مرانامه ی این حزب بر مسلمان بودن، ایرانی بودن، مصدقی بودن و بالاخره تابع قانون اساسی ایران بودن تأکید می‌کرد (اسناد نهضت آزادی ایران جلد ۱: ۱۷ و ۱۸)



اختلاف در نحوه اداره کشور، اختلاف در مواضع اقتصادی به ویژه تصدی گری دولت، قانون کار و ... آسیب دید به طوری که تفرق نظری و عملی در کارکرد دولت مردان را می توان شاهد بود. از این رو دال های شناور و عناصر بیقرار فروخته، شدیدترین منازعه گفتمانی را شکل دادند که به مفصل بندی گفتمان های قدرتمند اصولگرایی و اصلاح طلبی در زیر چتر انقلاب اسلامی منجر شد و دو گروه در عرصه قدرت و بازگیری سیاست کشور ظهور یافتند.

#### ۶- گرایش های اصلی گفتمان در منازعه سیاسی

بعد از رحلت امام خمینی و خروج کشور از جنگ تحمیلی، گروه ها و گفتمان های سیاسی انقلابی بر مبنای دو گرایش اصلاح طلب و اصول گرا به منازعه سیاسی با یکدیگر پرداختند و هر کدام از آنها تلاش می کردند تا بر اساس اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) کنش سیاسی خویش را موجه و مشروع جلوه داده و بر تعبیر و تفسیر خویش از جمهوریت و اسلامیت تاکید کنند. در یک نظام سیاسی مشروع، فعال و پویا هیچ دولتی به قصد خیانت شکل نمی گیرد گرچه دارای عناصر غیر قابل اعتمادی باشد. همچنین هیچ دولتی نمی تواند مدعی انجام تام و تمام همه برنامه هایش باشد. کما اینکه هیچ دولتی را نمی توان به ناکارآمدی مطلق متهم نمود. موفقیت یا عدم موفقیت دولتها امری نسبی است. یکی از وظایف دولتها حفظ و تقویت منابع مشروعیت بخش نظامهای سیاسی آنان است. ( فیروز آبادی، ۱۳۸۷: ۳۵) هر گفتمان برای هژمونیک شدن در اجتماع، ابتدا باید یک نظام معنایی باترکیبی از مفاهیم ارائه دهد تا بتواند به اقبال عمومی برسد. در حقیقت مفصلها و بندی گفتمان دال مرکزی، بُرداری از نیازها و خلأهای یک جامعه است که گفتمانها با طرح آن در قالب مفصل بندی سعی در پاسخ به مشکلات و رفع آن در گفتمان خودشان دارند.

#### ۱-۶- خرده گفتمان اعتدال گرایی

با آغاز به کار دولت یازدهم در ۱۳ مرداد ماه ۱۳۹۲ خرده گفتمان دیگری در چارچوب کلان گفتمان اسلام گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ظهور کرد. این خرده گفتمان، بر مبنای منطق چرخه گفتمانی در جمهوری اسلامی ایران گفتمان اعتدال گرایی را، به بیان خود رئیس جمهور روحانی می توان « آرمان خواهی واقع بینانه» یا «آرمان گرایی واقع بین» نامید. این گفتمان در عین افتراقات و تفاوت ها با سایر خرده گفتمان های پیشین در سیاست خارجی جمهور ایران نقاط مشترک زیادی نیز با آنها دارد. به ویژه، واکاوی عناصر و دقایق گفتمان اعتدال گرایی بیانگر شباهت و قرابت آن با گفتمان های واقع گرایی اسلامی مردم سالار است.

جایگاه برجسته عنصر واقع گرایی و مصلحت گرایی به مثابه جزء قوام بخش و توسعه اقتصادی به عنوان یکی از عناصر مقوم گفتمان اعتدال گرایی مهمترین وجوه اشتراک آن با گفتمان واقع گرایی اسلامی در دوران سازندگی است و مهمترین دقیقه گفتمان اعتدال گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تعامل مؤثر سازنده است، به گونه ای که دکتین تعین یافته در این گفتمان را می توان دکتین تعامل سازنده مؤثر نامید. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۲۰۰)



حسن روحانی با ورود خود به میدان انتخابات ریاست جمهوری، گفتمان اعتدال را در فضای سیاسی کشور مطرح و سپس با تبیین آن اقبال کثیری را به سوی خود جلب کرد و با اولویت دادن به دیپلماسی و تعامل دوستانه با غرب، عقب نشینی از برنامه اتمی را به عنوان تاکتیکی برای برون رفت از مشکلات اقتصادی نظام اتخاذ کرده است. در این راستا، آیت الله خامنه ای با طرح موضوع نرمش قهرمانانه مانع از اجرای این تاکتیک دولت نشده اما بارها بر لزوم عدم اعتماد به طرفهای غربی، گرفتن تضمین های کافی و لزوم توجه به ظرفیت های داخلی و اقتصاد مقاومتی برای برون رفت از مشکلات اقتصادی نظام تاکید کرده است.

## ۲-۶- موضوع هسته ای گفتمان اعتدال گرایی

گفتمان ها خود حاصل مفصل بندی هویت های زبانی متمایز و سیال، یا آنچه ویتگنشتاین بازی زبانی می خواند، هستند در حقیقت، آنها در یک ساختار سلسله مراتبی منظمی آرایش درخت گونه می گیرند که اصول و عناصر قانونی در لایه های زیرین قرار می گیرند که طبعاً تغییر و تحول آنها، تحولات بنیادین را در گفتمان باعث می گردد. بعضی دیگر از عناصر و دقایق نیز در سطوح بالایی ساختار قرار می گیرند که ماهیت ملموس تر و واقعی تری دارند. گزاره هایی نیز حد واسط این دو دسته از مفاهیم و عناصر قرار می گیرند. بر اساس مدل درخت گفتمانی، تغییرات از عمق و گستردگی یکسانی برخوردار نیستند و به یک میزان آن را متحول نمی سازند. تنها زمانی یک گفتمان جای خود را به گفتمان دیگری می دهد که اصول حاکم آن به کلی تغییر کند. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۱۸)

روحانی بر پایه شعار اعتدال، گفتمان سیاست خارجی خود را آرمانگرایی توأم با واقع گرایی معرفی نمود که راهی میانه و بین سازش و ستیزش با غرب به رهبری آمریکا بر سر موضوعاتی چون موضوع هسته ای است. پیروزی حسن روحانی با شعار اعتدال در خردادماه ۹۲، به معنای هژمونی گفتمان اعتدال بود. برای شناخت عناصر و دقایق این گفتمان می بایست در لابه لای سخنرانی های آقای روحانی به دنبال نظام معنایی گفتمان اعتدال باشیم.

## ۳-۶- تبیین و ترسیم مدل رفتار سیاسی و شعار انتخاباتی روحانی

انتخابات، عصاره مردم سالاری در هر حاکمیت است. در بستر انتخابات، احزاب سیاسی، همانند یک شرکت بزرگ تجاری، خود را در معرض رأی مردم قرار می دهند و توده ها نیز به عنوان خریدار اصلی ایده ها و چهره های جریان های سیاسی، در این عرصه نقش آفرینی می کنند (حاجی پور و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۹). از این رو، جوامع مدرن امروزی که مبتنی بر نظام های سیاسی مردم سالارند، گریزی از گزینش شیوه های غیرمستقیم مردم سالاری ندارند؛ لذا، نظام های انتخاباتی یکی از پایه های بنیادین جوامع دموکراتیک به شمار می روند (امینی، ۱۳۹۸: ۷۸). که در آن، کنش انتخاباتی، به معنای رفتار عامدانه و آگاهانه فرد در رأی دادن به فردی است که در چارچوب مشارکت سیاسی معنا می کند (انصاری، ۱۳۸۳: ۶۳). از این رو، مشارکت سیاسی در شکل (رفتار انتخاباتی) می تواند مهمترین شاخص های توسعه سیاسی به حساب آید (ظاهیر، ۲۰۱۶: ۲۸۰) چرا که از الزامات مهم در نظام های سیاسی قرن بیست و یکم است (فوکس، ۱۱۰۲: ۹۸)

بر اساس آنچه گفته شد، در جریان انتخابات به عنوان نوعی از نمادهای سیاسی، نوع شعار و محتوای آن، بستر مشارکت حداکثری شهروندان را به همراه دارد و این امر باعث اعتماد مسئولان به مدیریت و اداره جامعه می شود (سیدامامی و عبدالله، ۱۳۸۸: ۴) از این رو گفته شده که؛ شعارهای انتخاباتی به مثابه یک کنش سیاسی، متأثر از بافت اجتماعی و انعکاس دهنده شرایط موجودند و نحوه بازتاب آنها (لولس و فوکس، ۱۰۰۲: ۳۶۷)، در سطح محلی و هم در سطح ملی و جهانی،

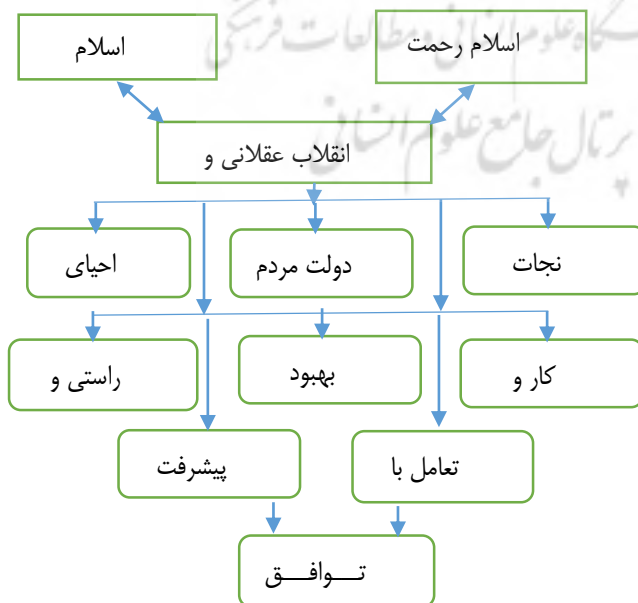


سبب برانگیخته شدن به انتخاب شخص متناسب با گفتمان انتخاباتی خاص می شود. رقابت های انتخاباتی، از طریق تبلیغات، شعارها و پاسخ نامزدها به نیازهای جامعه ای صورت می گرفت که به دورانی متمایز از دوران قبل (گذار از نظام موروثی به مشروطگی)، قدم گذاشته بود.

چارچوب گفتمان دولت ها و مقوله مرکزی شعارهای بازیگران در عرصه اجرایی دولت های بعد از انقلاب در جریان انتخابات و از آن جمله آقای حسن روحانی برای مدیریت جامعه در ۴ دسته کلی؛ گفتمان توسعه اقتصادی، توسعه فرهنگی، توسعه سیاسی و توسعه اجتماعی جای می گیرد که می توان اذعان نمود در بین رؤسای مورد بررسی، مقوله فرهنگی، چندان در شعارهای انتخاباتی به چشم نمی خورد و بیشترین شعارهای انتخاباتی حول محور توسعه سخت افزاری (اقتصادی): ترویج عدالت و کاهش شکاف طبقاتی بین مسئولان و مردم) تا توسعه نرم افزاری سیاسی (تعامل با جهان) و اجتماعی (عدالت، آزادی، قانونگرایی) در بین نامزدها، قابل استنباط است. به یقین می توان گفت که بدون آماده سازی ایستار ذهنی و ارزش های اجتماعی، امکان تحقق توسعه اقتصادی وجود ندارد. بر این اساس، تحول اقتصادی متکی بر توسعه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی است و توسعه پایدار جامعه نیز اتکا بر همین روش دارد. در نتیجه برای اکثر رقبای انتخاباتی، مباحث عینی که مردم با آن به صورت ملموس درگیر هستند، بیشتر مورد تأکید قرار داشته؛ از جمله معیشت و وضعیت اقتصادی که پس از انقلاب، همواره کانون توجه نامزدهای انتخابات بوده است.

#### ۴-۶- مدل مفهومی شعار انتخاباتی روحانی

در یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، شعارهای اقتصادی و «بهبود معیشت مردم» همچنان در صدر برنامه ها قرار داشت. روحانی هدف خود را از ورود به عرصه انتخابات، چنین بیان می کرد: «آمده ام برای پیشرفت بیشتر، همه ما باید دوباره بیاییم برای اسلام اعتدالی، دوباره بیاییم برای اسلام رحمانی، دوباره بیاییم برای انقلاب عقلانی و انسانی، در کنار هم بایستیم و ایران را باهم بسازیم.»



منبع: یافته های نظری



با توجه به مبانی نظری گفتمان و شعارهای انتخاباتی روحانی و آنچه از مدل فوق می توان به طور کلی دریافت این است که؛ وی در کارزار انتخاباتی خود، وعده های «نجات اقتصاد»، «احیای اخلاق» و «تعامل با جهان» را می داد و بخش عمده ای از تحقق شعارهای نجات اقتصاد و تعامل سازنده با جهان را در چارچوب توافق هسته ای با قدرت های بزرگ ۱+۵ دنبال می کرد؛ همچنان که در شعارهای دوره دوم چهار مقوله «دولت مردم»، «راستی و درستی»، «نجات ایران»، «کار و کرامت» را در رقابت های انتخاباتی به کار می برد.

### نتیجه گیری

نظام جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب، بر دوپایه «جمهوریت و اسلامیت» بنا شد. بر این اساس، انتخابات در نظام جمهوری اسلامی، یکی از مؤلفه های اصلی مشارکت همگانی توأم با احساس مسئولیت در اداره کشور است. در جامعه ایران پسا انقلاب در دوره های مختلف انتخابات برگزار شد که افرادی به مقام ریاست مجریه دست یافتند که در پژوهش حاضر تلاش بر این بود تا دوره انتخابات ریاست جمهوری آقای حسن روحانی را با نظر داشت شعارهای انتخاباتی دو دوره وی با گفتمان انقلاب اسلامی از منظر امام خمینی مورد تحلیل گفتمانی قرار دهد.

بر اساس یافته های نوشتار پیش روی و تطبیق دو گفتمان، این نکته مشخص شده که؛ بر اساس گفتمان انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی ایران، دولتی پاسخگو، مشارکت جو، توسعه گرا، تکثرگرا و تسهیل کننده امور با حداقل مداخله گری و تصدی گری در امور خصوصی است. در این رویکرد، جامعه اسلامی، جامعه تک گویی نیست، بلکه جامعه ای مشورتی، ارتباطی و گفتگویی و انتقادی است. از این رو، دولت باید با حداقل مداخله گری و تصدی گری با ما مردم، جامعه مدنی و بخش خصوصی به ساماندهی امور و حل و فصل مشکلات ملت پردازد براساس این گفتمان، دولت قوی و توانمند به معنی دولت مداخله گر و تصدی در همه امور و محدود کننده زندگی مردم و مداخله کننده در زندگی خصوصی نیست. نظریه گفتمان ضمن هویت سازی خود و اثبات گفتمان انقلاب اسلامی در مقام نفی وضع موجود جهان که تحت سلطه استکبار است، تلاش در تغییر وضع موجود دارد. ولی در عین حال، با نظر داشت نکته که؛ جامعه با گذار از نیازهای زیستی - غریزی، به نیازهای آرمانی - انتزاعی روبه رو بوده و روند تحول در شعارهای انتخاباتی، تغییر آنها را مطابق با ذائقه اجتماعی و ساختار فرهنگی و اجتماعی دوره زمانی نشان می دهد. همچنین روند کلی فضای شعارها از امور مادی به فرا مادی سوق یافته است.

یعنی در دوره انتخابات حسن روحانی، توجه مردم به سمت مطالبات اقتصادی و پس از آن، رفاه بیشتر و استفاده از امکانات و ذخایر ملی همچون نفت کشیده شد و در نهایت، محتوای شعارهای پسا انقلابی، نشان دهنده تحول اساسی در ساختار شعارهاست که خود، ناشی از تغییرات اجتماعی و اقتصادی (توسعه) است. روی هم رفته در اغلب شعارها، بر نیازهای محسوس و ملموس مردم (درآمد، معیشت، خوراک، مسکن، پوشاک، اشتغال) تأکید شده و در اولویت بعدی، مسائل ارزشی و هنجاری (تربیت، نظام آموزش و پرورش، افکار اجتماعی، رفتار اجتماعی، ارزشهای خانوادگی) مورد توجه قرار گرفته است. همچنین در این دوره از تاریخ انتخابات، محیط زیست، زیست پاک، حفظ مراتع یا توسعه سبز، نیز حلقه مفقوده شعارهای انتخاباتی بوده است.



یافته‌های پژوهش نشان داد که سه محور اصلی گفتمان انتخاباتی روحانی بر عناصر؛ اسلام اعتدالی، اسلام رحمت و انقلاب عقلانی و انسانی استوار بود که از آن برای مفاهیم؛ دولت مردم، ساخت ایران باهم، نجات ایران، احیای اخلاق، راستی و درستی، نجات اقتصاد، کار و کرامت، بهبود معیشت مردم، پیشرفت بیشتر، تعامل با جهان با تأکید بر توافق هسته‌ای با قدرت‌های بزرگ را دنبال نمود که در تطبیق با فرایند انقلاب و گفتمان انقلاب اسلامی از منظر امام خمینی در وجوه مختلف می‌توان اصولی را در نظر گرفت. هرچند در فرایند کلی و نهایی با نگاه به بیرون چشم انداز‌هایی از چالش‌های موجود را دنبال نمود و این عاملی برای عدم دستیابی به اهدافی شد که در شعارهای انتخاباتی به شکل گفتمان زمینه جلب اعتماد مردم را فراهم آورده بود.





منابع

۱. امینی، سام، ۱۳۹۸، عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت سیاسی مردم استان ایلام در مجلس شورای اسلامی با تأکید بر پنج دوره اخیر سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۹۴. رساله دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
۲. انصاری، حمید، ۱۳۸۳، نظریه‌های مشارکت. جزوه درسی کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
۳. آبراکرومی، نیکاس؛ استغن، هیل و براین، اس ترنر، ۱۳۷۶، فرهنگ جامعه‌شناسی (ترجمه حسن پویان)، تهران: چاپخش.
۴. آشوری، داریوش، ۱۳۸۷، دانشنامه سیاسی، چاپ شانزدهم، تهران، انتشارات مروارید
۵. تاجیک، محمدرضا، ۱۳۸۳، گفتمان، پادگفتمان و سیاست، تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی
۶. حاجی پور، بهمن؛ حسینی، سید محمود و زارع، ساسان، ۱۳۹۵، شناسایی عوامل کلیدی موفقیت در رقابت‌های انتخاباتی با استفاده از روش مدل‌سازی ساختاری - تفسیری. مطالعات راهبردی بسیج، ۹۱ (۷)، ۷۵۱ - ۹۲۱.
۷. حافظ‌نیا، محمدرضا، ۱۳۹۲، جغرافیای انتخاباتی ایران. تهران: سمت
۸. حسین پور، سیروس، ۱۳۹۸، تبیین جامعه‌شناختی مشارکت سیاسی گروه‌های قومی در استان خوزستان (مورد مطالعه: اقوام لر بختیاری و عرب). رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نراق.
۹. حسین زاده، سید محمد علی، ۱۳۸۳، نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی، فصلنامه علوم سیاسی، زمستان، دوره ۷، شماره ۲۸، صص ۱۸۱-۲۱۲
۱۰. خرمشاد، محمداقبر، جمالی، جواد، ۱۳۹۷، امر سیاسی، شکل‌گیری و هژمونیک شدن گفتمان انقلابی اسلام سیاسی در ایران، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، زمستان، دوره ۷، شماره ۲۷، صص ۲۷-۴۴
۱۱. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، ۱۳۹۳، چرخه گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دولت بازرگان تا دولت روحانی، تهران: نشر مخاطب.
۱۲. رازانی، احسان، محمدمزاده، علی، ۱۴۰۰، گفتمان هژمونیک انقلاب اسلامی و خرده گفتمان‌های درونی نظام جمهوری اسلامی ایران در دوران رهبری امام خمینی (ره)، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، اردیبهشت، دوره ۱۱، شماره ۳۸ - شماره پیاپی ۳۸، صص ۱۱۳-۹۱
۱۳. سیدامامی، کاووس و عبدالله، عبدالمطلب، ۱۳۸۸، عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس: مطالعه موردی شهر تهران
۱۴. صفری شالی، رضا، ۱۳۹۴، بررسی رفتار رأی‌دهندگی ایرانیان در انتخابات مجلس شورای اسلامی. مطالعات راهبردی، ۸۱ (۳)
۱۵. ضیمران، محمد، ۱۳۷۸، میشل فوکو، دانش و قدرت، تهران: هرمس
۱۶. ضیمران، محمد، ۱۳۷۹، ژاک دریدا و متافیزیک حضور، تهران: هرمس
۱۷. ضیمران، محمد، ۱۳۸۲، نیچه پس از هایدگر، دریدا و دولوز (تهران: هرمس)
۱۸. عباسی اسفنجیر، علی اصغر و اسفندیاری، مجتبی، ۱۳۹۶، بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی دانشجویان (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری)، فصلنامه مشارکت و توسعه اجتماعی، ۲ (۴)، ۷۴-۸۷.
۱۹. عبدالحمید، ابوالحمد، ۱۳۸۶، مبانی علم سیاست. تهران: توس
۲۰. فردینان دو سوسور، ۱۳۷۰، مبانی ساخت‌گرایی در زبان‌شناسی در ساخت‌گرایی، پسا ساخت‌گرایی و مطالعات ادبی، فرزانه سجودی، تهران: هرمس
۲۱. فردینان دو سوسور، ۱۳۷۸، دوره زبان‌شناسی عمومی، ترجمه کورش صفوی، تهران: هرمس.
۲۲. مایکل پین، لاکان، دریدا، گریستوا، ۱۳۸۰، ترجمه پیام یزدان جو، تهران: نشر مرکز
۲۳. موحد، مجید و عنایت، حلیمه و پورنعمت، آرش، ۱۳۸۷، بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان، فصلنامه علوم انسانی و اجتماعی، ۱، ۱۶۱-۰۹۱.



۲۴. نظری و سازمند، ۱۳۸۷، گفتمان هویت و انقلاب اسلامی ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
۲۵. هیوبرت دریفوس، میشل فوکو، ۱۳۷۶، فراسوی ساختگرایی و هرمنیوتیک، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی

۱. Abrahamian, Parvand (2002). Iran between two revolutions, translated by Ahmad Golmohammadi and Mohammad Ebrahim Fattahi, Ney Publication. (In Persian)
۲. David, Marsh; Stoker, Gerry (1999). Theory and Methods in Political Science, Translated by Amir Mohammad Haji Yosofi, Strategic Studies Publications, Tehran. (In Persian)
۳. Dehghani Firouzabadi, Seyed Jalal (2005). Discourse Transformation in the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran, Iran Newspaper Publishing Institute. (In Persian)
۴. Fitzgerald, J. (2013). What does 'Political' Mean to you?. Political Behavior, 35 (3), 453-479.
۵. Foran, Jan (2003). Fragile Resistance, History of Social Developments in Iran, Translated by - Ahmad Tadayon, Rasa Cultural Services Institute, Tehran. (In Persian)
۶. Fox, R.L. (2011). Studying Gender In US Politics: Where do we go From here?. Politics and Gender, 7(1), 94-99.
۷. Hosseini zadeh, Seyed Mohammad Ali (2007). Political Islam in Iran, Qom, Mofid University Press. (In Persian)
۸. Howarth, D. Noarval, A. Stavrakakis, G, Discours theory and political analysis (Manchester university prss, 2000) p. 15.
۹. Imam, Khomeini (1992). Sahifeh-ye Noor, Volume 2, 3, 4, 13, 12, 20, Islamic Revolution Documents Orga.nization, Tehran. (In Persian)
۱۰. Imam, Khomeini (1999). Sahifeh Emam, Vol., No. 10 and 21, The Institute for the Regulation and Publication of Imam Khomeini's Works, Tehran. (In Persian)
۱۱. Jasbi, Abdollah (2008). Islamic Republic Party, Office of Research and -Compilation of the History of the Islamic Revolution. (In Persian)
۱۲. Joseph, Jonathan (۲۰۰۲), Hegemony: a realist analysis, New York: Routledge, ISBN
۱۳. Laclau, E and Mouffe, C, Hegemony and socialist strategy (2001) (London: Verso, second edition) p. xv.
۱۴. laclau, E and Mouffe, c, Recasting marxism in James martin (2002): Antonio Gramsci, critical Assesment of leading Political philosophers (2002) Voutledge. p. 139.
۱۵. Laclau, E, New reflections on the vevolution of our time, (London: verso, 1990) p.5
۱۶. Lawless, J.L. & Fox, R.L. (2001). Political Participation of the Urban Poor. Journal of Social Problems, 48 ( 3), 362-385.
۱۷. Luclua, E, Butler, J. Zizek, S, Contingency, Hegemony, univer sality, (London: Verso, 2000) pp. 53-57.
۱۸. Smith, Anna Marie, Laclau and Mouffe, routledge (1998) p. 64
۱۹. Tajik, Mohammad Reza (2004). Discourse, Anti discourse and Politics, Institute for Research and -Humanities, Tehran. (In Persian)
۲۰. Zaheer, L. (2016). Use of Social Media and Political Participation among University Students. Pakistan Vision, 17, 278-